

اویم ایوک

کهن‌ترین فرهنگ ایرانی

محمود جعفری دهقی*

چکیده

به نظر می‌رسد که فرهنگ‌نویسی سابقه‌ای نسبتاً دیرینه در تاریخ فرهنگ و ادبیات ایران داشته است. وجود دو فرهنگ اویم/ایوک و فرهنگ پهلویگ به زبان اوستایی و پهلوی بیانگر آن است که این فن در عهد ساسانی به مرحله‌ای از تکامل دست یافته بود. اگرچه احتمالاً تدوین نهایی این فرهنگها در سده‌های سوم و چهارم هجری صورت گرفته است، با وجود این سرچشمه‌های نخستین این دانش به دوره‌های کهن‌تری بازمی‌گردد. فرهنگ اویم حاوی لغات و جمله‌های اوستایی و ترجمه آنها به فارسی میانه است. این فرهنگ در شکل امروزی آن شامل یک مقدمه و ۲۷ فصل است که محتوای هر فصل غالباً بر اساس موضوع آن مرتب شده و بنابراین به نظر می‌رسد که مؤلف از این شیوه فرهنگ‌نویسی آگاه بوده است.

* دانشیار گروه فرهنگ و زبانهای باستانی دانشگاه تهران

موضوع برخی فصلهای این فرهنگ عبارت است از: عدد و قید، جنس و شمار برای اسم و صفت و فعل، ضمایر ربطی، و اندازه‌گیری زمان. افزون بر این، فرهنگ *اویم* از جهت احتوای بر پاره‌ای اصطلاحات زبان‌شناسی و لغاتی که در اوستای دوره ساسانی رایج بوده و امروزه در دست نیستند، از اهمیت خاصی برخوردار است. هدف نگارنده از نگارش این مقاله بررسی شیوه‌های فرهنگ‌نویسی بر اساس این فرهنگ است.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ، فارسی میانه، شیوه موضوعی، شیوه الفبایی

مقدمه

به نظر می‌رسد که فرهنگ‌نویسی سابقه‌ای نسبتاً دیرینه در تاریخ فرهنگ و ادبیات ایران داشته است. وجود دو فرهنگ *اویم ایوک* و فرهنگ *پهلویگ* به زبان اوستایی و پهلوی بیانگر آن است که این فن در عهد ساسانی به مراحل تکامل دست یافته بود. اگرچه احتمالاً تدوین نهایی این فرهنگها در سده‌های سوم و چهارم هجری صورت گرفته است، با وجود این سرچشمه‌های نخستین این دانش به دوره‌های کهن‌تری بازمی‌گردد. ظاهراً لزوم تألیف فرهنگی نظیر *اویم ایوک* که شامل لغات اوستایی و ترجمه و معنای آنها به زند است، زمانی مشهود بود که خوانندگان *اوستا* دیگر از این زبان درک روشنی نداشتند. این دوره را بیشتر به اواخر عهد ساسانی نسبت داده‌اند. لازم به یادآوری است که وجه تسمیه این فرهنگ براساس نخستین واژه اوستایی آن (*oīm*) و ترجمه زند آن (*ēwak* «یک») واقع بوده است.

امروزه از این فرهنگ دو نسخه K20 و M51 موجود است. نسخه نخستین متعلق به کتابخانه کینهاگ بوده که عکس آن در سال ۱۹۳۱ همراه با مقدمه مفصلی در معرفی آن به وسیله آرتور کریستن سن به چاپ رسیده است.^۱ نسخه دوم در کتابخانه دولتی مونیخ نگهداری می‌شود و بنابر نظر کریستیان بارتمه

ظاهراً با نسخه K20 از اصلی یکسان استنساخ شده است.^۲ فرهنگ / اویم از جهت محتوا بر پاره‌ای اصطلاحات زبان‌شناسی و لغاتی که در اوستای دوره ساسانی بوده و امروزه در دست نیستند، از اهمیت خاصی برخوردار است.

به‌روشنی می‌توان دریافت که مؤلف به هنگام تدوین فرهنگ / اویم متن نسبتاً کامل‌تری از / اوستا را در اختیار داشته است؛ با این حال به نظر می‌رسد که فرهنگ / اویم در شکل فعلی آن کاملاً به انجام نرسیده است. یکی از ویژگی‌های فرهنگ / اویم احتوای آن بر لغات و عباراتی است که از اوستای گمشده ساسانی، از جمله از نیکاتم (nikātama) در آن نقل شده است؛ به طوری که حدود ۷۱ عبارت اوستایی مندرج در این فرهنگ امروزه در هیچیک از متون موجود اوستایی یافت نمی‌شوند. به نظر ویلیام مالاندرا با توجه به ناهماهنگی‌هایی که در این فرهنگ مشاهده می‌شود، می‌توان دریافت که مؤلفین متعددی در دوره‌های گوناگون به تکمیل آن پرداخته‌اند. (مالاندرا ۲۰۰۰؛ تفضلی ۱۳۷۶: ۳۲۴).

فرهنگ / اویم نخستین بار در سال ۱۷۷۱م به وسیله آنکتیل دوپرون در پاریس به چاپ رسید.^۳ وی واژه‌نامه را نه به صورت اصلی بلکه به ترتیب الفبایی ارائه کرده است. ترجمه او اگر چه قابل استفاده نبود، آغاز راهی برای پژوهش‌های پس از آن به شمار می‌رفت. هوشنگ‌چی جاماسب‌چی در سال ۱۸۶۵م متن مصحح و ترجمه تازه‌ای از فرهنگ اویم فراهم ساخت و مارتین هوگ نیز یادداشتهای سودمندی بر آن افزود.^۴ وی در تصحیح این متن افزون بر دستنویس M51b از دستنویسهای DJ متعلق به دستور جمشید جاماسب آسا و DN متعلق به دستور نوشیروان جاماسب آسا و نیز سه دستنویس دیگر سود جسته بود. همچنین، پژوهشگر آلمانی، هانس رایشلت در سال ۱۹۰۱ میلادی فرهنگ / اویم را بر اساس دستنویس هوگ تدوین نمود. در این ویرایش، رایشلت آوانویسی و نمایه الفبایی واژه‌های فرهنگ را نیز ارائه کرد.^۵ ژام دارمستر جملات اوستایی فرهنگ اویم را به فرانسه ترجمه کرد^۶ و در سال ۱۹۶۸ کلینگ‌اشمیت تصحیح انتقادی و ترجمه تازه‌ای از فرهنگ / اویم عرضه داشت.

در این تصحیح وی از دستنویسهای K20 و M51b استفاده نمود.^۷ آخرین تصحیح فرهنگ/اویم متعلق به رهام اشه است. او در سال ۲۰۰۹م متن ویراسته و آوانویسی شده فرهنگ/اویم را به همراه ترجمه آن منتشر کرد (نیز نک: مالاندر، ۲۰۰۰؛ فرهنگ، ۱۷-۲۰).

هدف نگارنده در این مقاله بررسی محتوای فرهنگ/اویم/یوک است. این بررسی غالباً معطوف به شیوه‌های فرهنگ‌نویسی و جنبه‌های دستوری این تالیف است.

بحث:

فرهنگ/اویم ایوک در شکل امروزی آن شامل یک مقدمه و ۲۷ فصل است که محتوای هر فصل به شیوه‌ای خاص، از جمله بر اساس موضوع آن مرتب شده و بنابراین به نظر می‌رسد که مؤلف از شیوه‌های فرهنگ‌نویسی آگاه بوده است. متن مقدمه بدین شرح است:

pad nām ī yazdān, jahišn ī nēk bawād, abar be šnāxtan ī wāz ud
mārīgān ī abestāg kū-š zand cē ud ciyōn.

«به نام یزدان. جهش (اقبال) نیک باد! [این فرهنگ] در باره شناخت واژه و درک اوستا [است] که زند آن چه و چگونه است.»
بررسی فصلهای بیست و هفت‌گانه فرهنگ/اویم نشانگر آنست که مؤلف در تدوین فرهنگ خود از شیوه‌های گوناگون سود جستته است. این شیوه‌ها را می‌توان به گونه ذیل دسته بندی کرد:

الف. شیوه موضوعی

در این شیوه مؤلف مداخل فرهنگ خود را بر مبنای واژه‌هایی ارائه می‌دهد که از لحاظ معنی به یکدیگر مربوط‌اند. بر این اساس، فصل نخست این فرهنگ در باره اعداد و ترتیب آنها در اوستاست. در این فصل اعداد اصلی از یک تا ده شماره‌گذاری شده‌اند. سپس، اعداد ترتیبی نظیر «نخستین»، «دو دیگر، دوم»،

«سدیگر، سوم» و به دنبال آن، اعداد اعشاری مانند «یک‌سوم»، «یک‌چهارم»، آمده‌اند (نک. فرهنگ، ۷۱-۷۴). نمونه‌ای از این روش به شرح زیر است.

۱. اعداد اصلی، اعداد ترتیبی و اعداد اعشاری:

اوستایی	پهلوی	معنی
oīm < aēva-	ēk	یک
dva-	do	دو
tišrō	si	سه
paoirīm < paoirya-	fradom	نخستین
bitīm < bitya-	didīgar	دو‌دیگر
θrīšva-	si-ēk	یک‌سوم
caθrušvaða-	cahār-ēk	یک‌چهارم

۲. بدن و ترکیبات آن موضوع بخشی از فصل سوم است (فرهنگ، ۹۴-۱۱۳). شیوة ارائه لغات در این فصل به شرح زیر است:

اوستایی	پهلوی	معنی
ainikō < ainika-	ēnīg	پیشانی
dōiθra-	cašm	چشم
nāḡha < nāh-	wēnīg	بینی
āḡha < āh-	dahan	دهان
aoštra-	lab	لب
xvaēdēm < xvaēða-	xwēy	خوی، عرق
vohuni	xūn	خون
astēm < ast-	ast	استخوان

mazgəmca < mazga-	mazg	مغز
۳. کیفیات بدن یک دسته از لغات همین فصل را تشکیل می‌دهند. (فرهنگ، ۸۸-۹۰) نمونه‌ای از این لغات چنین است:		
اوستایی	پهلوی	معنی
hutāštō < hu-tāšta-	hudāšīd	زیبا آفریده
huraōða-	hurust	نیک روئیده
hukərəfš < hu-kəhrp-	hukerp	خوش‌پیکر
hu-tarasca	nēk az hamāg kustag	از هر جهت زیبا

۴. انواع سخن نیز در بخش دیگری از این فصل ارائه شده است (نک. فرهنگ، ۹۶-۹۹) برای نمونه:

اوستایی	پهلوی	معنی
vacah-	gōwišn	گفتار
narma.vāxš	ābād-gōwišn	چرب‌زبان
antəməmcit saṅhəm	andardom soxan	کلام پوشیده، راز
haiθīm vacah-	āškārag-gōwišnīhā	کلام صریح

۵. گناهان و جرایم گوناگون و تاوان آنها موضوع فصل بیست و پنجم فرهنگ اویم است (نک فرهنگ، ۲۰۰-۲۱۳) برخی از این گونه اصطلاحات چنین‌اند:

اوستایی	پهلوی	معنی
āgərəpta-	āgrift	اگرفت (نام درجه‌ای از گناه)
arəduš-	arduš	اردوش (دست بر بی‌گناه زدن)
bāzu.jata	bāzā-zanišnīh	بازا (درجه‌ای از گناه)، بازو
pəso.tanuš	tanābuhl	تنابوهل (درجه‌ای از گناه)

۶. واحدهای اندازه گیری یکی از موضوعات فصل بیست‌وهفتم است (فرهنگ، ۲۱۷-۲۲۵). پاره‌ای از این نوع اصطلاحات عبارت‌اند از:

اوستایی	پهلوی	معنی
padəm < pad-	pāy, cōn šāzdah angust	پای، معادل شانزده انگشت
vitasti-	cōn dawāzdah angust	معادل دوازده انگشت
dišti-	cōn dah angust	معادل ده انگشت
uzašti-	cand ašt angust	معادل هشت انگشت
gāim < gaya-	gām	گام، معادل سه پای

ب. شیوه دستوری

به نظر می‌رسد که مؤلف یا مؤلفان فرهنگ اویم بر آن بوده‌اند تا مهارت خود را در شیوه‌های گوناگون فرهنگ‌نویسی بنمایانند. بنابراین، در فصل دوم، واژه‌های اوستایی با توجه به مقوله‌های دستوری، ارائه شده‌اند. برخی از این مقوله‌ها عبارت‌اند از: جنس برای اسامی جاندار، شامل مذکر (nar) و مؤنث (māyag). شمار، شامل مفرد، مثنی و جمع برای اسم و فعل. حالت، شامل سه حالت ازی،^۸ بایی،^۹ و اضافی.^{۱۰} زبان، شامل اوستای معمول و اوستای گاهانی. معنا، شامل واژه‌های اهورایی و اهریمنی. قیود مقدار نظیر کمترین و بیشترین (فرهنگ، ۷۵-۸۷).

۱. مبحث جنس که در آن لغات مذکر از مؤنث تفکیک شده‌اند:

اوستایی	پهلوی	معنی
va-	abar harw do, nar	هر دو (مذکر)
vaye < vaya-	abar harw do, māyag	هر دو (مؤنث)

۲. شمار، شامل مفرد مثنا و جمع در فعل، ضمیر و اسم:

اوستایی	پهلوی	معنی
cikayat	tōzād	توبه می‌کند (یک نفر)
cikayatō	tōzānd	توبه می‌کنند (دو نفر)
cikaēn	tōzānd	توبه می‌کنند (آنها)
yavākəṃ	ašmā, ō do	شما دو نفر
yūšmākəṃ	ašmā, ō si	شما سه نفر
θβaṃ	tō	تو
nāirika	zan	زن (مفرد)
nāirikayā	zan	زن (مثنی)
nāirikaṇaṃ	zan	زنان (جمع)

ج. شیوه الفبایی

در این شیوه مؤلف واژه‌ها را براساس حروف الفبا تنظیم می‌کند. براین اساس، فصل چهارم تا فصل بیست و چهارم لغات اوستایی فرهنگ اویم بر اساس حروف دین دبیره تنظیم شده‌اند. بدین ترتیب، فصل چهارم که حاوی برخی ضمائر ربطی و قیود است، دربرگیرنده لغاتی است که با حرف y آغاز می‌شوند (فرهنگ، ۱۱۴-۱۳۰). نمونه‌ای از این لغات عبارت‌اند از:

اوستایی	پهلوی	معنی
yaθa īm zā	cand ēn zamīg	همچون این زمین
yaθra	harw gyāg, ānōh	هر جا، آنجا (قید)
yō	kē	که (ضمیر ربطی)
yūžəṃ yōi mašyāka	ašmā kē mardōm hēd	شما که مردمید (ضمیر)

فصل پنج شامل لغاتی است که با حرف š و نیز k, t, x, p و f آغاز می‌شوند (فرهنگ، ۱۳۱-۱۳۷).

اوستایی	پهلوی	معنی
šōiθrō < šōiθra-	rōstāg	روستا
karšo < karša-	kišwar	کشور
tkaēšō < tkaēša-	dādestān, dādwar	دادستان، دادور
xšvīda < xšvīd-	šīrēnīh	شیرینی
paršva < paršu-	paršōg	خالداری
fšu < pasu-	pah	گله، رمه

فصلهای ششم تا فصل بیست و چهارم به ترتیب مربوط به لغاتی هستند که با حروف m, a, ā, v, u, p, s, m, d, f, s, m, p, u, v, ā, a, m, j, b, z, c, t, r, b, j, d, f, s, m, p, u, v, ā, a, m حروف آغاز می‌شوند (فرهنگ، ۱۳۸-۱۹۹). از هر فصل نمونه‌ای ارائه می‌شود:

اوستایی	پهلوی	معنی
mayat	wināhišn	نابودی، صدمه (فصل ۶)
amāta	uzmūd	آزموده، مجرب (فصل ۷)
ātrə.kərəta	ātaš-kirdār	آتش‌کردار (فصل ۷)
vastra-	wastarag	بستر (فصل ۸)
urva < urvan-	rawān	روان (فصل ۹)
pərənəm < pərəna-	purr	پر (فصل ۱۰)
miθβa < miθβan-	gumēzag	آمیخته (فصل ۱۱)
sukəm < suka-	wēnišn	بینش، بصیرت (فصل ۱۲)
fradaθāi	frādayišnīh	پیشروی، ارتقاء (فصل ۱۳)
daxšta-	daxšag	داغ، نشان (فصل ۱۴)
janat < jan-	zanišn	کشتن، زدن (فصل ۱۵)

baēšaza-	bēšāzēnišnīh	شفابخشی (فصل ۱۶)
raēva-	rayōmand	رایومند، درخشان (فصل ۱۷)
tašat < taš-	tāšīd	شکل گرفته، آفریده (فصل ۱۸)
carətu.drājō	asprēs-	واحد طول، به درازی میدان
	drahnāy	اسب‌دوانی (فصل ۱۹)
zasta-	dast	دست (فصل ۲۰)
guḍra < gūzra-	nihānīg	نهانی (فصل ۲۱)
γnat < jan-	zad	زدن، کشتن (فصل ۲۲)
θrāθrā < θrāθra-	srāyišn	حمایت (فصل ۲۳)
harəta < harətar-	sālār	سالار، محافظ، قیم (فصل ۲۴)

فصل بیست و ششم حاوی لغات و عبارات گوناگون است.

یکی از مشکلات فرهنگ *اویم* آن است که اسامی و صفات اوستایی به جای ارائه در وضعیت صرف نشده یا در حالات خاصی نظیر حالت فاعلی، در حالات صرفی متفاوت ارائه شده‌اند. با این همه این فرهنگ تنها اثر بازمانده است که دریافت تدوین‌کنندگان آن را از مقوله‌های دستوری *اوستا* باز می‌تابد. اما از مزایای این فرهنگ آنکه مؤلف معانی متفاوت واژه‌ها را در نظر داشته و معانی لغات را گاه به تنهایی و گاه در فحوای عبارتی به دست داده است (مالاندرا ۲۰۰۰؛ تفضلی ۱۳۷۶: ۳۲۴).

از فرهنگ *اویم* نسخه‌های متعددی موجود است. برخی از مهمترین این دستنویسها عبارت‌اند از:

۱. دستنویس M51b که در اواخر سده چهاردهم میلادی به وسیله پشوتن رام از روی نسخه رستم مهربان مرزبان جهش‌ایار استنساخ شده است. این دستنویس که در کتابخانه دستور خورشیدجی از شهر سورت نگهداری می‌شد در سال ۱۸۶۴م به مناسبت خدمات دکتر مارتین هوگ به فقه‌اللغه زند و سنسکریت به ایشان اهدا گردید. این دستنویس اکنون در کتابخانه مونیخ

نگهداری می‌شود. در پایان این دستنویس آمده است: «نوشتم من دین‌بنده، هیربذزاده، پشوتن رام، از نسل موبد هرمزدیار.» پشوتن تاریخ نگارش این دستنویس را در پایان‌نوشت آن روز فروردین از ماه بهمن سال ۷۶۶ یزدگردی (معادل ۱۳۹۷م) یاد کرده است (فرهنگ، ۱۳-۱۷؛ تفضلی ۱۳۷۶: ۳۳۰).

۲. دستنویس K20 در سالهای ۱۸۱۶-۱۸۲۳ به وسیله راسموس راسک از ایران به دانمارک برده شد و اکنون در کتابخانه سلطنتی کپنهاگ نگهداری می‌شود. بنا بر تحلیل کلینگن‌اشمیت، این دستنویس رونوشتی از دستنویس مهربان است و هر دو از نسخه استنساخ شده‌اند که اکنون مفقود شده است (کلینگن‌اشمیت ۱۹۶۸). این مجموعه شامل بیست متن اوستایی و پهلوی از جمله *ارداویراز نامه* و *مادیان یوشت فریان* است؛ فرهنگ *اویم* هفتمین متن آن است. همه این متون در سه دستنویس گرد آمده‌اند و تاریخ دستنویس نخست سال ۶۹۰ یزدگردی معادل ۱۳۲۱م است. دومین دستنویس متعلق به سال ۷۴۰ یزدگردی، معادل ۱۳۷۱م، و سومین دستنویس متعلق به سال ۷۰۰ پارسی معادل ۱۳۵۱م است.

۳. دستنویس TD28 متعلق به کتابخانه بهرام‌گور تهمورث انکلساریا است. این دستنویس شامل متنهای گزیده گاهان، سه فصل از *هادخت نسک*، قطعه‌ای از *هرمزد یشت*، *شایست نه شایست* و فرهنگ *اویم* است.

۴. دستنویس F3 متعلق به مجموعه دستنویسهای دستور سهراب‌جی مهرجی‌رانا است که در حال حاضر در کتابخانه مهرجی‌رانا در نوساری نگهداری می‌شود. این دستنویس شامل چهار متن است که یکی از آنها متن فرهنگ *اویم* در روز اردیبهشت، ماه آبان، سال ۱۲۳۴ یزدگردی نگاشته شده است (فرهنگ، ۱۳-۱۷؛ تفضلی ۱۳۷۶: ۳۲۶).

فرجام سخن

بنابر آنچه گذشت.

۱. فرهنگ اویم یکی از کهن‌ترین منابع فرهنگ‌نویسی در زبانهای ایرانی است که روش تدوین آن نشانگر آگاهی ایرانیان از انواع روشهای فرهنگ‌نویسی در روزگار گذشته است. این آگاهی در دوران اسلامی موجب نگارش فرهنگهای متعدد و گسترش زبان فارسی در سراسر سرزمینهای ایران فرهنگی گردید.
۲. تدوین‌کنندگان فرهنگ اویم از روشهای موضوعی، دستوری و الفبایی سود جسته و این روشها را با مهارت به کار گرفته‌اند.
۳. مؤلفان این فرهنگ برای توضیح لغات آن، گاه بیش از یک لغت را به کار برده‌اند. گاهی لغت مورد نظر را با عبارتی توضیح داده و گاهی لغت را در فحوای جمله شرح کرده‌اند.

پی‌نوشتها

۱. نک:

- Christensen, A., 1931, *The Pahlavi Codices K20 and K20b*, Copenhagen.
- این نسخه تحت عنوان «ک ۲۰ و ک ۲۰ ب» در مجموعه دستنویسهای پهلوی از سوی مؤسسه آسیایی دانشگاه شیراز به همت ماهیار نوابی به چاپ رسیده است.
۲. کریستیان بارتلمه در باره این نسخه در متن زیر اظهار نظر کرده است:
- Bartholomae, Ch., 1915, *Die Zendhandschriften der K.Hof-und Staatsbibliothek in München*, München.
3. Anquetil Duperron, 1771, *Zand-Avesta, ouvrage de Zoroastre, tome second*, Paris, pp. 432-475.
4. Hoshangji Jamaspji and Martin Haug, 1867, *An Old Zand - Pahlavi Glossary*, Bombay.
5. Reichelt, H., *Der Frahang ī oīm* (Zand-Pahlavi Glossary), I. Einleitung, (Text), *Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes*, 1900, pp. 177-213; II. Index der Awestaworter, *WZKM*, 1901, pp. 117-186.

6. Darmesteter, James, 1893, *Le Zand-Avesta*, Paris.
7. Klingenschmitt, Gert, 1968, *Farhang-i oīm*, Edition und Kommentar, Erlangen.
8. ablative
9. instrumental
10. genitive

منابع

- Frahang: Asha, Raham, *Avesta Glossary*, A glossary of Avesta words and their Pārsīg equivalents, based on the Zand, the so-called Frahang ī oīm: ēk, Text and Grammatical Notes, The K.R. Cama Oriental Institute, Mumbai 2009.
- Hoshangji Jamaspji and Haug, M., *An Old Pahlavi – Pazand Glossary*, Bombay-London-Stuttgart 1867.
- Klingenschmitt, G., “Frahang-ī oīm, Edition und Lommentar”, Ph.D. diss., University of Erlangen, 1968.
- Malandra, William W., “Frahang ī oīm”, *Encyclopedia Iranica*, (Ed. E. Yarshater), 2000.
- Reichelt, H., “Der Frahang I oīm”, Reichelt, H., *Der Frahang ī oīm (Zand-Pahlavi Glossary)*, I. Einleitung, (Text), *Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes*, 1900, 177-213; II. Index der Awestaworter, WZKM, 1901, 117-186.
- تفضلی، احمد، ۱۳۷۶، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به‌کوشش زاله آموزگار، تهران.



